

سفیر فتحعلی شاه قاجار در دربار عثمانی

علی صدراپی خویی

چکیده

یکی از خاندان‌های علمی و فرهنگی شهر خوی در سده سیزدهم خاندان آقا ابراهیم شریف حسینی شیخ الاسلام خویی است. در این نوشتار چهارده تن از دانشمندان علمی و فرهنگی این خاندان معرفی گردیده، پس از آن به زیست‌نامه خود شیخ الاسلام پرداخته شده است. در ادامه موضوع سفارت شیخ الاسلام خویی در دربار عثمانی که از سوی فتحعلی شاه قاجار اعزام شده مورد بررسی قرار گرفته و چهار سند جدید در اینباره رابطه ارائه گردیده است. پس از آن به آثار باقیمانده از شیخ الاسلام خویی پرداخته شده و درخاتمه کتابخانه وی و نسخه‌های خطی باقیمانده از آن مورد بررسی قرار گرفته است.

درآمد

یکی از خاندان‌های کهن علمی ایران زمین که در خطه خوی نشو و نما نموده‌اند، خاندان شیخ الاسلام خویی است. این خاندان مصدر خدمات علمی و فرهنگی متعددی در خوی و ایران بوده‌اند که در این مقال به بخشی از آن پرداخته خواهد شد. ابتدا نظری داریم به زیست‌نامه بزرگان و دانشمندان این خاندان و پس از آن آثار علمی و فرهنگی باقیمانده از آن ذکر خواهد شد.

۱. دانشمندان خاندان شیخ الاسلام خویی

عالمان زیادی از خانواده شیخ الاسلام خویی در عرصه علم و معرفت درخشیده و خدماتی را به جامعه خوی و ایران، در طول بیش از یک قرن تقدیم داشته‌اند. متأسفانه شرح حال و خدماتشان در جایی ثبت

نشده، و نگارنده در طول بیش از ده سال مطالبی را از لابلای نسخه‌های باقیمانده از این خانواده و و کتابهای دیگر جمع آوری نموده که بخشی از آن را در سیمای خوی تقدیم داشته و در اینجا مطالب افزونتری که پس از آن دستگیر شده تقدیم می‌گردد.

۱/ ۱. شهید آقا فتح‌الله شریف حسینی

اولین شخصی که از این خاندان در خوی می‌شناسیم آقا فتح‌الله بن عبدالله خویی است. در این مورد آگاهی ما مرهون نگارش عالمانه علامه محمد حسن فانی زنوزی هستیم. زنوزی در کتاب ارزشمند بحرالعلوم (این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده، و ما از نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی استفاده نموده‌ایم) در ذکر جمعی از عالمان معاصر خود، اولین نفر ملا فتح را ذکر نموده و می‌نویسد:

«المولی الجلیل فتح الله بن عبد الله الخویی، فهو عالم فاضل نبیل جلیل، ماهر فی العقلیات، قرء فی الاصبهان علی الفضلاء، و تأهل هناك، ثم رجع مع الاهل و العیال الی المحروسة و اقام بها و كان ظریفاً لطیفاً، مائلاً الی المطائبة و المزاح، متواضعاً لأرباب الفقر و الصلاح و ساعياً فی جوائهم بالغدو و الرواح کثیر البکاء و العویل فی تعزیه سید الشهداء علیه و علی آبائه افضل الصلوات الملك الجلیل. سافر الی زیارت بیت الله الحرام فی العام السادس و الثمانین بعد المائة و الالف من الهجرة و استشهد فی تلك السنة بایدی السراق فی الطريق قبل الوصول الی البیت العتیق رحمة الله و نجاه عن النار الحریق». (بحرالعلوم، محمد حسن بن عبد الرسول زنوزی، مخطوط)

بدین ترتیب آقا فتح‌الله در راه مکه به دست دزدان طریق، در سال ۱۱۸۶ق، شربت شهادت نوشید. آقا فتح سه پسر داشت به نامهای فتحعلی و ابراهیم و اسماعیل و دختری نیز داشت که دو فرزند اهل علم داشت به نامهای آقا علی نقی و آقا احمد که همه از عالمان و دانشمندان به نام عصر خود بودند.

۲/ ۱. مولی فتح علی بن فتح‌الله خویی

ملی فتحعلی که فرزند بزرگ پدر بود بعد از شهادت پدرش در سال ۱۱۸۶ق، راهی اصفهان و عراق گردید و بعد از تکمیل تحصیلات به خوی باز گشته دوبار سفر حج گزارد و در خوی به قضاوت و اجرای احکام مشغول گردید و تا سال ۱۲۱۳ق در قید حیات بوده است.

نسخه‌ای از شوارق الالهام مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی (م ۱۰۵۱ق) در دست است که در ۲۷ صفر ۱۲۰۰ برای همین آقا فتحعلی نوشته شده و در چند جا حاشیه‌هایی از وی بر این کتاب موجود است. (شوارق الالهام، نسخه خطی ش ۱۹۲ مدرسه نمازی خوی)

۳/ ۱. مولی اسماعیل بن فتح‌الله خویی

مولی اسماعیل که کوچکترین فرزند شهید عبدالله خویی بوده، همراه با برادر خود ولی ابراهیم راهی اصفهان و عراق و مشهد گردیده و تحصیل خود را در علوم عقلی و نقلی تکمیل نموده و به خوی برگشت.

علاقه زیادی به عرفان داشت و در خوی به وعظ و ارشاد مشغول بود. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست و تا سال ۱۲۱۳ق در قید حیات بوده است.

۱/ ۴. فتحعلی بن اسماعیل خویی

آقا فتحعلی بن اسماعیل بن فتح الله بن عبد الله خویی، او در سال ۱۲۱۴ق در خوی متولد شده و از فیلسوفان و متکلمان خوی است که در اصفهان نزد مولی محمد رضا تبریزی شاگرد ملا محمد اسماعیل واحد العین تحصیل کلام و فلسفه نموده است.

او در اصفهان طبق یادداشتی که خود قلمی نموده، یازده نسخه خطی را به دست خود تحریر نموده که دو نسخه از آن در دست است.

اولی نسخه ای از شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام مولی عبدالرزاق بن علی بن حسین فیاض لاهیجی (۱۰۵۱) است که شامل مقصد اول (امور عامه) از کتاب مذکور است. این نسخه را عموی وی که هم نامش بوده (فتحعلی بن فتح الله) در ۲۷ صفر ۱۲۰۰ق برای خود نویسانیده است. پس از آن فتحعلی بن اسماعیل در حالی که سی و یک سال بیشتر نداشت حاشیه‌های آن را تحریر نموده و در روز چهارشنبه ۱ رمضان ۱۲۴۵ق در حاشیه آن تحریر نموده است. (شوارق الالهام، نسخه خطی ش ۱۹۲ مدرسه نمازی خوی)

او در حاشیه این نسخه حاشیه‌های استادش محمدرضا و محمدعلی نوری، عبدالرزاق لاهیجی (شارح) و استاد الاستادش محمد اسماعیل خواجویی را به طور دقیق و با خط زیبا تحریر نموده و در پایان چنین مرقوم نموده است: «قد فرغت من تسوید الحواشی و استنساخها من خط الاستاد ادام الله بقاءه ناقلاً من خط استاده یوم الاربعاء ۱۴ رمضان ۱۲۴۵ و کنت ابن احد و ثلثین و کان هذا فی ایام الاشتغال بتعلم المشاعر و تدرسه عند الاستاد دام ظله و انا الذلیل ابن اسماعیل فتحعلی».

او در شوال ۱۲۴۳ق به خواندن این کتاب نزد استادش مشغول گردیده و در ربیع الاول ۱۲۴۷ق به مباحثه همین کتاب مشغول شده است.

استاد وی آقا محمد رضا تبریزی است که خود شاگرد محمد اسماعیل اصفهانی مشهور به واحد العین بوده است. تبریزی ساکن اصفهان و در سال ۱۲۴۷ق در قید حیات بوده و مشاعر ملاصدرا و شوارق الالهام تدریس می کرده است.

آقا فتحعلی در ۳۳ سالگی نسخه دیگری از شوارق (از اول مقصد ثانی جواهر و اعراض تا اول مقصد ثالث) را در ۱۹ رجب ۱۲۴۷ق در اصفهان شروع به تحریر نموده و در ۷ رمضان ۱۲۴۷ق به پایان رسانده، و آن را مقابله و تصحیح نموده. کتابش را بر اولادش وقف نموده است. (شوارق الالهام نسخه ش ۵۵۰ مدرسه نمازی خوی، این نسخه در ۱۷۴ برگ، ۲۴ سطر، به اندازه ۱۲*۲۳ سانتی متر، واقع شده است.

۱ / ۵. مولی علی نقی خویی

او خواهرزاده شهید ملا فتح الله خویی است. زنوری در بحرالعلوم در شرح حال وی می‌نویسد:
«علی نقی الخویی، کان فاضلاً صالحاً تقياً نقياً حسن الخلق و الخصال رضی الحال و الفعال، سافر الی العراق فزار الائمة(ع) و قرأ علی العلماء و استكمل فرجع الی المحروسة و سكن بها الی اخر العمر. توفی رحمة الله فجأةً فی سنة التسعة و التسعين بعد المائة و الالف. و قد قیل فی تاریخه بالعجیمة:
خوشا بر حال آن صاحب سعادت
که تاریخش خوشا بر حال آن شد»

۱ / ۶. مولی محمد خویی

او خواهرزاده دیگر شهید ملا فتح الله خویی است. زنوری در بحرالعلوم در شرح حال وی می‌نویسد:
«المولی الجلیل محمد الخویی اخو المولی علی نقی و ابن اخت المولی فتح الله، علام فاضل سالک کامل حکیم عارف ادیب جامع شاعر منشیء مؤرخ ماهر فی اکثر العلوم و له حظٌ فی الخط لطیف ظریف شریف کزیم الخصال، رضی الفعال ملیح الاقوال و هم من افاضل الخلان الوفا و امائل اخوان الصفا بین و بینة صداقة صادقة و رفاقة خالصة. سافر الی اصفهان ثم الی العراق و قرء علی الفضلاء و استكمل فی العلوم و الاخلاق فرجع الی المحروسة ثم سافر الی الحج ثم الی العتبات و بعد الرجوع اقام بها و تصدی بامرہ و له بالفارسیة اشعار. اطال الله بقاءه.»

۱ / ۷. محمد تقی خویی

محمد تقی بن محمد خویی منصور علیشاه(متولد ۱۲۰۴ق در خوی و متوفای ۱۲۷۴ق) خواهرزاده شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است و لقب طریقتی وی منصور علیشاه است. کتابی در عرفان و تاریخ تصوف نگاشته به نام آداب المسافرین که در روز پنجشنبه ۲۸ صفر ۱۲۵۶ق تألیف آن را به پایان رسانده و نسخه اصل به خط وی در دانشگاه تهران به شماره ۲۴۰۹(فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۰۳۴) در ۲۵۸ برگ، ۱۵ سطری، در اندازه ۲۱*۱۵/۵ سانتی متر، نگهداری می‌شود.
وی در نزد دایی خود آقا ابراهیم و فرزند وی آقا فتح الله تحصیل کرد و به مجذوبعلی شده همدانی دست ارادت داد. عاقبت در سال ۱۲۷۴ق بدرود حیات گفت.
وی کتاب تعقیبات و اعمال هفته به عربی از مؤلف ناشناخته(نسخه ش ۳۵۷ مدرسه نمازی خوی) را به اولاد ذکور فتح الله بن ابراهیم وقف نموده و تولیت آن را به خدیجه الرفانی بیگم‌جان خانم زوجه مرحوم فتح‌الله واگذار نموده است. چند حاشیه از محمدتقی خویی در حاشیه کتاب مذکور دیده می‌شود.
وی را برادری بود به نام عبدالکریم که او نیز از اهل علم بود و بعداً به تصوف گرائید.

۱/ ۸. علی نقی بن ابراهیم خوئی

علی نقی ملقب به حاجی پسر بزرگ شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است. آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و پسر دیگرش فتح الله معروف به آقا و خواهر زاده خود احمد آقا وقف نموده است.

۱/ ۹. فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی خوئی

فتح الله ملقب به آقا پسر بزرگ شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی است. آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و پسر دیگرش علی نقی معروف به حاجی و خواهر زاده خود احمد آقا وقف نموده است. آقا فتح الله جانشین پدر در مقام شیخ الاسلامی و ارشاد بود و مدتی را از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در تبریز به سر برده است.

او بر کتابهای متعددی حاشیه نوشته که نشانگر فضل و دانش اوست و تا سال ۱۲۵۰ ق در قید حیات بوده و در این سال کتابی را وقف نموده است ولی تاریخ فوتش در دست نیست. آقا فتح الله چند نسخه را بر اولادش وقف نموده و مهرش به شکل مربعی با سجع «الواثق بالله الغنی فتح الله شریف حسینی» در اول آنها به چشم می خورد، این کتابها عبارتند از:

۱. مجموعه ش ۳۴۷ مدرسه نمازی، شامل: ۱- الاسلام والايمان و ۲- فیما ورد فی صدر هذه الامة هر دو از: ملاحیدر علی شیروانی (قرن ۱۲)، وقف در سال ۱۲۲۷؛

۲. مجموعه ش ۳۲۶ مدرسه نمازی، شامل: ۱- معالم الدین و ملاذالمجتهدین از: شیخ حسن بن زین الدین عاملی (۱۰۱۱) و ۲- زبدة الاصول از: شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی (۱۰۳۱)، وقف در سال ۱۲۳۸ ق، آقا فتح الله طی یادداشتی مرقوم نموده که معالم را از اول تا آخر با احمد بن علی اکبر مباحثه نموده، و در ۱۲ صفر ۱۲۴۴ به پایان رسانده است او همچنین حاشیه‌هایی بر معالم نوشته است؛
۳. نسخه ش ۱۹۷ مدرسه نمازی، شرح الالفیة شهید اول از: شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۸۴)، در سال ۱۲۴۰ ق؛

۴. نسخه ش ۱۹۸ مدرسه نمازی، الفوائد الملیة بشرح الرسالة النفلیة از: شهید دوم زین الدین بن علی عاملی (۹۶۶)، در سال ۱۲۴۰ ق؛
۵. نسخه ش ۸۸ مدرسه نمازی، الصافی فی تفسیر القرآن از: ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) با تولیت پسرش محمدرضا در سال ۱۲۵۰ ق وقف نموده است.

همسر وی نیز اهل علم بوده و محمد تقی شریف حسینی خویی نسخه ش ۳۵۷ مدرسه نمازی خوی در تعقیبات و اعمال هفته به عربی از مؤلف ناشناخته را وقف اولاد ذکور فتح الله بن ابراهیم نموده و تولیت آن را به خدیجه الرفانی بیگم جان خانم زوجه مرحوم فتح الله واگذار نموده است.

۱/ ۱۰. احمد خویی

او خواهر زاده آقا ابراهیم شیخ الاسلام خویی است که آقا ابراهیم کتابهایش را بر وی و دو فرزندش

علی نقی و فتح الله وقف نموده است.

۱/۱۱. آقا محمدرضا بن فتح الله شریف حسینی خوبی

او نوه آقا ابراهیم شیخ الاسلام است. و خود پس از پدر مقام شیخ الاسلامی خوی را و به همین دلیل به آقا محمدرضا شیخ الاسلام معروف بود. در سال ۱۲۹۶ قمری جهان فانی را وداع و به دارفانی خرامید. آقا محمد رضا دارای ذوق شعری عالی بود و به «رضا» تخلص می‌کرد و اشعار عرفانی عالی انشاء کرده که نمونه‌هایی از آن چنین است:

چشمی نه چشم آنکه به یاری نظر نکرد	دستی نه دست آنکه دعایی به بر نکرد
عاشق نه آنکه تیر چو آید ز شصت دوست	مژگان به هم فرو زد و جان را سپر نکرد
از ما بریده دوست به دیگر نهاده دل	بی‌چاره این دلم سر یاری دگر نکرد
گفتم مگر دمی ز وصالش خبر دهد	عمرم به آخر آمد و روزی خبر نکرد
ز آه «رضا» خبر به تو باد صبا نداد	یا داد خود در آن دل سنگت اثر نکرد
و همچنین از غزلیات اوست:	

آن دل کیست که آشفته آن کامل نیست	خود مگر سنگ شود کآن به حقیقت دل نیست
بهر توحید خود آن صورت حق بینا بس	کآیتی در حق توحید چنین نازل نیست
موشکافان همه انگشت تعجب خایان	در میان تو کسی نیست که آن جاهل نیست
عین عقل است که مجنون توام می‌خواد	کآنکه مجنون نشد از عشق رخت عاقل نیست
بر همه سال بیا بر سر خاکم نظری	بین که بار غمت از رستخیزم زایل نیست
تا دلم میل به آن صورت حق بین انداخت	دگر از هر دو جهان بر دگری مایل نیست
آفرین بر نفس دلکش موزون «رضا»	سحری نیکو نه مسحره بابل نیست

آقا محمد رضا نسخه‌ای از الفوائد الصمدیه شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (۱۰۳۱) را در سال ۱۲۵۷ق در کربلا برای برادرش محمد حسن تحریر نموده است. (نسخه ش ۳۶۲ مدرسه نمازی خوی)

۱/۱۲. آقا محمد حسن شریف حسینی

آقا محمد حسن بن فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی، برادر کوچکتر آقا محمد رضاست و آقا محمد رضا فوائد الصمدیه شیخ بهایی را در سال ۱۲۴۷ق در کربلا به جهت وی تحریر نموده است. (نسخه ش ۳۶۲ مدرسه نمازی خوی)

۱/۱۳. آقا محسن شریف حسینی

آقا محمد حسن بن فتح الله بن ابراهیم شریف حسینی، اطلاع ما از وی مرهون دو یادداشت از ملا حسنعلی ایروانی است او در دو نسخه از نسخه‌های کتابخانه شیخ الاسلام (نسخه ش ۱۹۳ التبرالمسبوک

فی نصایح الملوك از: ابوحماد محمد غزالی و نسخه ش ۴۳۰ انس المنقطعين الى عبادة رب العالمين از: جمال الدين محمد بن اسماعيل معافی موصلی) یادداشتی نوشته مینی بر امانت گرفته کتاب از وی، بدین عبارت: «این کتاب از جناب آقا محسن خلف مرحوم فتح الله پیش حقیر حسن علی ایروانی امانت است».

۱/۴. آقا فتح الله شریف حسینی معروف به شیخ الاسلام

آقا فتح الله بن محمد رضا بن فتح الله بن ابراهیم بن فتح الله بن عبدالله شریف حسینی خویی معروف به آقا فتح الله شیخ الاسلام، او تا سال ۱۳۳۶ق در قید حیات بوده ولی پس از آن اطلاعی از وی به دست نیامده است.

آقا فتح الله ذوق شعری عالی داشت، نمونه‌ای از اشعارش

این رباعی است که در سال ۱۲۹۶ق سروده است:

دل اوست که غیر دوست آنجا نبود
در وی به جز از محبتش، جا نبود
آن دل که به غیر دوست کاشانه بود
از بودن او چه سود کاشا نبود
آقا فتح الله وقتی با پدرش به روستای قره قوش از روستاهای خوی رفته بود. ولی در آنجا حالش گرفته شده و هوای شهر گریبانگیرش می‌شود. به ناچار نامه‌ای منظوم به پدر نوشته و اجازه مرخصی می‌گیرد. خود او این مطلب را تحریر نموده بدین عبارت:

«در خدمت آقا سلمة الله تعالی به قره قوش رفته بودم و از فرقت یاران و دوری دوستان دل‌تنگ گشته، با این چند بیت که به حضور آقا فرستاده، تقاضای رخصت مراجعت کرده و وی هم اذن فرموده، و ابیات این است:

امروز دو روز است که اندر قره قوشم	در آتش هجرت چو خم باده به جوشم
هر ساعتی از هجر تو بر دیده چو سالیست	یا آنکه فراق از رخ خدمت شده دوشم
دل گویدم هر دم که شوم باز به کویت	در خوف پدر لیک زبان بسته خموشم
از حال دل خسته شده چند بگویم	دانی که چه آید به سر اندر قره قوشم
بیدار مرا دیده خونبار چو پروین	از کیک بود تا به سحر جوش و خروشم
از بوی قغ و کرمه دماغم شده ناخوش	از صوت خر و گاو و کچی کر شده گوشم
یا گُرک پر از کیک به یک گوشه خانه	از تیر تو گه شاد و گه از هجر تروشم
چای سحرم چون متعفن شده آبی	ناهار یکی داسز دوسز کله دوشم
گر بخت مساعد شد و زین دهکده رفتم	زین پس رخ من خاک در باده فروشم

(عائده ۳۱۶ از مجمع الفوائد و مخزن العوائد، مخطوط)

آقا فتح الله حواشی و یادداشت‌هایی بر نسخه‌های خطی کتابخانه جدش نگاشته است. از جمله حاشیه‌هایی بر کتاب انس المنقطعين الى عبادة رب العالمين از: جمال الدين ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن حسن معافی موصلی (۶۳۰)، که در سال ۱۳۳۶ به آن اشتغال داشته است. (نسخه ۴۳۰ مدرسه نمازی خوی)

در نسخه ش ۵۴۳ همان مدرسه نیز یادداشتی است بدین عبارت:
«ولادت منور صبیبه آقا فتح الله شیخ الاسلام ۵ رمضان ۱۳۱۳».

۲. شیخ الاسلام خوی آقا ابراهیم شریف حسینی خویی

آقا ابراهیم فرزند شهید فتح الله فرزند عبد الله شریف حسینی خویی مشهور به شیخ الاسلام خویی. او معروفترین شخص خاندان خود بوده و در کتابهای تراجم از وی جسته گریخته یاد شده است. آقا ابراهیم کوچکتر از برادرش فتحعلی و بزرگتر از برادر دیگرش اسماعیل بوده است. وی مقدمات علوم را در خوی فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل به همراه برادرش اسماعیل، مدتی به اصفهان رفته و از علمای معروف آن دیار خصوصاً مرحوم ملا علی نوری فیلسوف بزرگ استفاده کرد و برای ادامه تحصیل راهی عتبات عالیات شد و بعد از چند سالی به خوی برگشت. در ۱۰ رمضان سال ۱۲۱۳ ق که حسینیقلی خان دنبلی حاکم خوی در ۳۵ سالگی درگذشت جعفر قلی خان برادر وی وارد خوی شد و با فتحعلی شاه قاجار از در سازش در آمد و فرزند ارشدش احمدخان را به همراهی آقا ابراهیم خویی به حضور فتحعلی شاه فرستاد. (تاریخ خوی، آقاسی ۲۲۱، تاریخ خوی ریاحی، ص ۱۹۷ و ۱۹۶) او بعد از درگذشت ملا حسن شیخ الاسلام (بانی مسجد ملا حسن در خوی، که متأسفانه سال فوت دقیقاً مشخص نیست)، مقام شیخ الاسلامی شهر خوی را به عهده گرفت.

۲ / ۱. از دیدگاه دانشمندان

شرح حال شیخ الاسلام خویی در مزار متعددی، به طور اجمال و تفصیل مندرج است. در اینجا مصادر جدید محلی را که تاکنون از دیدگاه تراجم نگاران بدور مانده، در حالی که دقیقترین اطلاعات را در مورد وی دارند، ذکر می‌کنیم:

۲ / ۱ / ۱. از دیدگاه زنوزی

زنوزی در کتابش بحرالعلوم که در حال حیات وی نوشته، در باره وی چنین مرقوم نموده:
«المولی ابراهیم و المولی اسماعیل ابنا المولی فتح الله الخویی، عالمان فاضلان صالحان عابدان عارفان کاملان، قرء اولاً علی فضلاء المحروسة ثم سافرا بعد مسافرة اخیهما الاکبر المولی فتحعلی الی اصبهان، ثم الی العراق، ثم الی الطوس، فقرء فی تلك البلاد و استکملا فی العلقیات و النقلیات، الا انهما مایلان کثیراً الی العرفان، ثم رجعا الی المحروسة فتصدیا بأمر الوعظ و النصیحة و الارشاد. و لهما قریحة عجیبة و سلیقة غریبة. اطال الله بقاهما».(بحر العلوم، علامه محمد حسن زنوزی، مخطوط)

۲ / ۱ / ۲. از دیدگاه دیوان بیگی

دیوان بیگی نیز در باره وی چنین می‌نویسد:

«صاحب علم و فضل و زهد و تقوی، در کربلای معلی تحصیل علوم ظاهر کرده و خدمت مرحوم نور علی شاه رسیده، از جانب ایشان مأمور به ارشاد ظاهر و باطن شده، ولی در بدو امر خیلی زحمت کشیده، چنانچه نزد آقا محمد شاه از او سعایت کردند و به تهرانش طبیده چوبش زد و امر کرد تا در حوض آبش انداخته چوب بزد. دو ساعت از زیر آب بیرون موده بر تغییرش افزوده، گفت حوض را خالی کد. در آن حال طفلی از فتحعلی شاه از بام افتاده، سبب تنبیه آقا محمد خان شده دست از او برداشت. بعد از آن که نجات یافت بر سر کار خود رفت و به ملاحظه آن صدمه، تا تواند خود و فقرا را حفظ کند، تکیه به سلطنت ظاهری داده رتبه شیخ الاسلامی تبریز یافت. سفری هم به سفارت روم رفت و در آن جا خیلی محترم بود. در سال هزار و دویست و سی و اند در تبریز بدرود جهان نموده است». انتهی بتمامه. (حدیقة الشعراء، سید احمد دیوان بیگی، ج ۲، ص ۱۰۴۹)

۲ / ۱ / ۳. از دیدگاه امین الشرع خویی

امین الشرع خویی که معاصر آق محمد رضا شیخ الاسلام است در خاطراتش در شرح حال آقا ابراهیم شیخ الاسلام چنین می نویسد:

«از جمله خلد مقام مولانا آقا ابراهیم خویی - قدس سره - از علمای عاملین و اتقیای کاملین بوده و از علمایی است که مابین علم و عمل را جمع کرده و حاوی علوم شریعت و طریقت و حقیقت و صاحب مقامات عالیه و کرامات باهره بوده است». (خاطرات امین الشرع ابوالقاسم بن اسد الله امام جمعه خویی، مخطوط)

۲ / ۱ / ۴. از دیدگاه فاضلی خویی

مرحوم شیخ جابر فاضلی در کتاب تذکرة الفصلاء در شرح حال عالمان خوی در شرح حال وی می نویسد:

«آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی: از علماء معروف دوره سلطنت فتحعلی شاه و از متنفذین اهل محل بوده، اسلاف ایشان اهل گیلان بوده و به خوی مهاجرت کرده و متمرکز شدند.

تحصیلاتش در اصفهان و کربلا انجام یافته و به حسینعلی شاه عارف مرید شده و از طرف او ملقب به «مطلوبعلیشاه» شد. از طرف مرشدش موظف به حبس نفس تدریجی زیرآب می شود و او هم عمل می کند. بعد از مدتی در نظر دولت وقت متهم سیاسی شده تحت الحفظ به تبریز احضار می کد. در محوطه والی نشین، ولیعهد دستور می دهد که با لباس توی آب حوض بزرگ نموده و مأمورین با شلاق مراقبش می شوند که سر در نیآورد. بعد از نیم ساعتی که یقین به خفه شدنش می کد دستور اخراجش صادر می شود. دفعتاً یاعلی گویان از زیر آب سر درمی آورد. ولیعهد با مشاهده این موضوع مضطرب شده و اعتذار کرده و محترمانه به خوی ارجاع می کند جریان امر وقتی که مسموع فتحلیشاه شد رفع تهمت شده و ملقب به شیخ الاسلام می شود.

فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۲ق می خواست حل اختلاف با عثمانیها بکند. برای انجام این امر آقا ابراهیم

را موظف می‌کند که به اسلامبول رفته و با سلطان سلیم ثالث در این خصوص مذاکره نماید. نامبرده این مأموریت را قبول می‌کند مشروط به اینکه شاه چند ورقه سفید مهر شده که در آن وقت معمول بود، به او بدهد که لدی الاقتضاء به نام شاه ایران مطالبی در او نوشته شود. شاه قبول کرده چند ورقه بی‌خط، سفید، ممه‌پور به او می‌دهد و روانه‌اش می‌کند. اتفاقاً ورود شیخ به اسلامبول مصادف می‌شود با فوت سلطان سلیم و جانشینی سلطان مصطفی خان، شیخ از آن ورقه استفاده کرده در یکی تسلیت فوت سلطان اول، و در دیگری تهنیت جلوس سلطان ثانی را نوشته و با مهر حاضری شاه ایران به دربار عثمانی می‌دهد. این ابتکار جالب، نسبت به آن وقت که اطلاعات فوری ممالک از اوضاع همدیگر ممکن نبود، موجب تعجب سلطان شده و سبب حل اختلاف می‌شود.

شیخ در خلال همان ایام یک شبی به دیدن شیخ الاسلام اسلامبول می‌رود. و مباحثه مذهبی شروع شده، در اطراف عصمت حضرت صدیقه (ع) مذاکراتی شده، شیخ به منزلش برمی‌گردد. شیخ الاسلام وقت صبح که از خواب برمی‌خیزد متوجه می‌شود که دهنش کج شده، فوراً شیخ را خواسته به او می‌گوید که در اثر اختلاف ما، من مبتلا به دهن کجی شدم همین‌طور که کج کرده‌ای باید درستش کنی. شیخ در جواب می‌گوید اگر اقرار به تشیع و تصدیق عصمت حضرت زهرا (ع) را بکنی من هم به مولی متوسل می‌شوم که اعوجاج دهانت درست شود. شیخ الاسلام قبول کرده و شاهدت ثالثه را ادا نموده و معصومیت خانم را قبول می‌کند. به شرط اینکه کسی در خارج مطلع نشود. پس شیخ دعایی خوانده و دست به دهان شیخ الاسلام می‌کشد کم‌کم تدریجاً دهان به حالت اولیه برمی‌گردد.

در مقابل این عمل کرامتی، [شیخ الاسلام اسلامبولی] تعداد سیصد جلد کتاب خطی قیمتی از کتابخانه‌اش به شیخ می‌دهد که اغلب آنها احادیث عامه و تفاسیر قرآن و شرح نهج البلاغه می‌باشد و شیخ آنها را با خودش به خوی حمل کرده و وقف اهل علم می‌نماید.

فعالاً قسمتی کثیری از آن کتب در کتابخانه مدرسه نمازی خوی موجود و مورد انتفاع مراجعین است. شیخ بعد از مراجعت از سفر ترکیه جریان مسافرت را به دربار گزارش داده و مورد احترام قرار می‌گیرد. بعداً مسافرت دیگری به حجاز و شام کرده و در مراجعت در حدود سنه ۱۲۳۳ق در خوی وفات می‌یابد و ماده تاریخ [آن] «بموت العالم مات العالم» می‌باشد.

از آثار شیخ در خوی فعالاً مسجدی در کنار خیابان محله سرکوچه خندق به نام «مسجد آقا ابراهیم» موجود است. و هکذا قبرستانی بنام آن مرحوم در داخل شهر خوی بود که فعالاً ساختمانش کردند.

شیخ مزبور رئیس طایفه‌ای بود که بنام آقا ابراهیملو معروفند. از آن خاندان است:

آقا فتح‌الله شیخ الاسلام و پسرش محمدرضا شیخ الاسلام و هکذا حاج میرزا مسیح قاضی و حاج میرزا موسی قاضی و آقا ابراهیم قاضی و آقا عنایت‌الله و حاج میرزا حسن مناقب و حاج شیخ صادق غروی، که ذکر هر یک در صفحات مربوطه خواهد آمد». (تذکره الفضلاء، شیخ جابر فاضلی، مخطوط).

۲ / ۱ / ۷. چند اشتباه فاحش

دکتر محمد امین ریاحی در تاریخ خوی، متعرض حالات شیخ الاسلام خویی شده ولی چند اشتباه در آن رخ داده است که از مورخی چون او بسیار بعید است. اول اینکه: آقا محمد رضا شیخ الاسلام را فرزند فتح الله و او را فرزند محمد رضا و او را فرزند صادق و او را فرزند آقا ابراهیم نوشته‌اند. (تاریخ خوی، ریاحی، ص ۲۱۸) این مطلب درست نیست زیرا آقا محمد رضا به تصریح یادداشتهای خود وی فرزند آقا فتح الله فرزند آقا ابراهیم است یعنی نوه آقا ابراهیم هست. اما اینکه آقا ابراهیم فرزندی به نام صادق داشته‌اند که فرزندی به نام محمد رضا عارف داشته، در مصادر یادی از آن نشده و دروقف نامه آقا ابراهیم هم نام دو فرزندش را فقط نوشته است. دیگر اینکه: دکتر ریاحی نوشته‌اند آقا ابراهیم از سپاه روس استقبال نموده (تاریخ خوی، ریاحی، ص ۲۱۸) و خود متذکر شده که ورود سپاه روس در سال ۱۲۴۲ق بوده در حالی که شیخ الاسلام در سال ۱۲۳۳ دار فانی را وداع نموده است. و این از ایشان مطلبی بسیار غریب است.

۲ / ۱ / ۷. مصادر شرح حال

شرح حال و یاد شیخ الاسلام خویی قبل از این، در مصادر زیر آمده است:

روضه الصفا، ج ۹، ص ۳۴۷ و ۴۴۰-۴۳۹؛

طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۲۳۲ و ۲۹۵؛

تاریخ منتظم ناصری، ۳/۱۴۸۷؛

بستان السیاحه، ص ۲۷۴؛

حدیقة الشعراء، ج ۲، ص ۱۰۴۹؛

طبقات اعلام الشیعه، قرن سیزدهم (کرام البررة)، ج ۱، ص ۴؛

شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۱، ص ۱۹؛

تاریخ خوی، آقاسی، ص ۲۲۱ و ۲۳۹ و ۲۶۳ و ۴۶۳؛

تاریخ خوی، ریاحی، ص ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۲۰۱ و ۲۱۷ و ۲۱۸؛

سیمای خوی، ص ۱۵۲ - ۱۵۵؛

فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی، در موارد متعدد که تعداد ۱۲۶ نسخه خطی از موقوفات ایشان در آن معرفی شده است.

۳. آثار شیخ الاسلام خویی

از شیخ الاسلام هم اکنون چند اثر باقیمانده است، بدین ترتیب:

۳ / ۱. نسخه‌ای از جلد اول شرح توحید صدوق قاضی سعید قمی است که شیخ با خط نستعلیق بسیار زیبا، در ربیع الاول ۱۲۰۲ق در قمشه اصفهان آن را تحریر نموده است. این نسخه به ش (۳۰۹) در کتابخانه مدرسه نمازی خوی نگهداری میشود. در هامش این نسخه حاشیه‌هایی از آقا فتح الله فرزند آقا ابراهیم و آقا

محمد رضا فرزند آقا فتح الله مذکور و آقا فتح الله فرزند آقا محمد رضای مذکور که هر سه شیخ الاسلام خوی بودند به چشم می خورد.

۲/۳. نسخه‌های خطی باقیمانده از کتابخانه وی است که در اول همه آنها وقفنامه به خط وی موجود است. در این مورد در کتابخانه شیخ الاسلام سخن خواهیم گفت.

۳/۳. مسجدی که هم اکنون به نام وی به نام مسجد آقا ابراهیم در خوی دائر و در خیابان محله در پشت حسینیه میرزا ابراهیم واقع شده است.

این مسجد را شیخ الاسلام خوی آقا ابراهیم شریف حسینی خویی در سال ۱۲۳۰ ق بنا نهاده و بعد از وی تجدید بنا شده است. باید توجه داشت که بانی حسینیه آیه الله شهید حاج میرزا ابراهیم ذنبلی خویی (شهادت در سال ۱۳۲۵ ق) است و بنیاد وی را با آقا ابراهیم شیخ الاسلام اشتباه گرفت.

۴. سفارت اسلامبول

یکی از وقایع مهمی که در زندگی آقا ابراهیم شیخ الاسلام خویی اتفاق افتاده، سفارت وی به درگاه سلاطین عثمانی است. در تمامی مصادر شرح حال وی به این مسئله تصریح شده و اولین مصدر در این زمینه روضة الصفا می باشد. (روضه الصفا، ج ۹، ص ۳۴۷ و ۴۴۰) که پس از آن در مصادر دیگر به نقل از آن یاد شده است.

در این نوشتار چند سند دست اول در این زمینه، علاوه بر مصادر یاد شده ارائه می گردد.

۴/۱. سند اول

سندی است که در آرشیو نخست وزیری جمهوری ترکیه در اسلامبول (دفتر شماره ۱۰ نامه همایون، صفحه ۷۳) نگهداری می شود.

این سند همان نامه‌ای است که از جانب فتحعلی شاه قاجار نوشته شده و شیخ الاسلام خویی ماموریت داشته آن را به سلطان عثمانی ابلاغ کند. در متن همین نامه نام شیخ الاسلام خویی درج شده بدین عبارت:

«ایران خانی جانبدن طرف حضرت شاهانه وارد اولان نامه سیدر

صافی ترین رشحه نیسان کلک و بنان، سپاس و ستایش پادشاهی است یگانه، عظم شأنه و بهر برهانه که ملکش از نقص فنا و زوال مصون است، جبروتش از وصمت انقضاء و انقطاع مأمون، اول هر اول است و آخر هر آخر، هو الاول و الآخر و الباطن و الظاهر، موجود لا عن عدم، کائن لا عن حدث، مدبر الأمور، مکرر الدهور، واحد أحد، صمد سرمد، منزله از حد و عد، موجد هر موجود، دانای غیب و شهود، قیوم مفیض عقل، بخشنده جوهر دانش و روح گشاینده درهای فتوح،

حله گر خاک و حلی بند آب

مرحله پیمای جهان قدم

لعل طراز کمر آفتاب

مرسله پیوند گلوی قلم

و نسایم نافه گستر صلوات روان پرور، بر روان افتخار بشر، عذر خواه محشر، صاحب لیل اسری، ساخب ذیل ندی، ماه بطحا و یثرب، خورشید مشرق و مغرب، مبعوث بخلائق منوعت به خلائق، علت علل معلول اول، نخستین فکر آخرین عمل، ناسخ ادیان و ملل، همای لا مکان پرواز، شاهباز اوج اعزاز:

تازه‌ترین سنبیل صحرای ناز
پاکترین گوهر دریای راز
احمد مرسل که خرد خاک اوست
هر دو جهان بسته فتراک اوست
و بر اختیار اصحاب و اصحاب اختیارش که وشاخ و صدر جلال و شاخ شجر نبالت و معادن دانش و علم و مخازن بخشش و حلم‌اند باد.
سلام کحذء الورد و المزن غاسل

سلام کقطر المطر و المطر هامل

ماطلع طالع و لمع لامع، توده‌های مشک ناب و خوشه‌های دُر خوشاب که طیب طره حور و زیب منطقه جوزا تواند شد، تحفه محفل مینو مثال و هدیه بزم ارم تمثال، اعلی حضرت، سکندر رتبت، فریدون موکب، همایون کوکب، خورسید فلک شوکت و جهاننایی، جمشید بارگاه دولت و کامرانی، مجموعه ملکات ملکیه، مورد فتوحات فلکیه، بایزید فعال نیکو نهاد، فاتح ابواب مرام و مراد، احمد خُلق، مصطفی خصال، سلیم طبع سلیمان اختصال، حمید المنشاء محمود مال، مشرق مشرق پادشاهی، سایه رحمت الهی، ماحی آثار کفر و طغیان، حامی حمای دین و ایمان، مدینه کرم، تهامه همم، قهرمان قاهره جلال، هرم مصر اقبال، سلطان البرین و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین، المجاهد فی الدین بلا ریب و رین، برادر مودت پرور، مؤالفت گستر، نصره الله و ابقاه و مدّ مدّه بقاء،

صفحه نگار صحیفه وداد میگردد که: درین اوان ایمن تر از ایمن، خرمترا از گلشن که مژده جانفزا و نوید دل آسای جلوس میمنت مانوس اشرف هماین بر سرّه سریر سروری و ذروه تخت خلافت و قیصری، نشاط افزا و سامه افروز گردید، و صبح مراد از افق آرزو و مرام بدیدم.
و تا امروز که به یاری خداوند فیروز، این دو دولت جاوید قرین، چون عقد پروین مربوط به یکدیگر بوده و میانه این دو فرقی به راستی نمانده، هر دو دولت در حکم واحدند و در سرّاء و ضراء و نهان و پیدا این یک به آن دگری متحد و معاضد، کوکب جبلی الظهور مودت و ولا، در آسمان سلطنتین به نقطه اعتلا و ذروه استعلا رسیده و نهال طوبی مثال موافقت و وفا در بوستان مملکتین سر به سدره و ثری کشیده است .

لیکن چون ارسال رسل و رسائل موجب اتّضاح سبل مودت و بقا کمال یکرنگی و محبت است و اهدای هدایا و تحف نیز نوعی از اظهار یگانگی و اتحاد و اعلان دوستی خاطر و فؤاد می‌باشد، بنا بر این جناب عالی جناب فضایل مآب، معلی آداب، فخر العرفا و المحققین، بهاء الملة و الدین شیخ الاسلام و المسلمین، سید شریف النسب، کریم الحسب، الحاج آقا ابراهیم را که آراسته به کرایم آداب و در صلاح اندیشی صاحب نصابست از برای اداء شرایط تهنیت و اهدای هدیه خلت و محبت و تجدید عهد قدیم و تأکید مسالمت قویم، روانه انجمن حضور سعادت دستور آن برادر یگانه و شهریار فرزانه نمود و چون

اهدای هدیه مذکوره از غایت محبت و دوستداری و الفت و صداقت شعاریست، البته منظور قبول خواهد شد. و برخی سخنان صداقت آمیز صفوت انگیز نیز به جناب سابق الالقاب القا و اظهار شده، که بعد از وصول به خدمت لازم المدت آن آخ دوشوکت، آنها را بالتّمَام مشافهتّه ظاهر و هویدا سازد.

ترقب آنکه همواره سحاب فیاض أخت را بر ریاض خلت و مودت فیاض داشته، دائماً گلشن وفاق و وداد را از نمایش گلهای رنگین مراسلات به مصافات علامات روشن سازند، که نظم اتحاد و یکرنگی انتظام پذیرفته موجب نشاط طرفین و انبساط جانبین خواهد شد. و الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً و السلام خیر ختام. اثر مهر فتحعلی شاه «العزة لله فتحعلی در شاه نجف...». (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۶۹ش، سه جلد، ج ۱، ص ۱۰۱-۹۹)

۲/۴. سند دوم

تصریحی است که عبدالرزاق مفتون دنبلی به این واقعه نموده و شروع و ختم آن را ثبت نموده است. او در اواخر وقایع سال ۱۲۲۲ می نویسد که:

«مأمور شدن حقائق و معارف آگاه آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی از درگاه جهان پناه به سفارت روم. چون در آن اوقات جناب سلطنت مآب سلطان مصطفی پادشاه ذیجاء روم به نیروی بخت میمنت لزوم به تازگی بر تخت سلطنت و فرمان روایی قرار یافته بود، و همواره میان این دو دولت جاوید مدت به وساطت تردد سفرا و امانا رسم محبت و مودت ملحوظ و منظور و بدین سبب ارسال نامه دوستی ختامه، مصحوب شخصی زبان دان و رسولی چرب زبان از لوازم اخلاق و اطوار سلطنت می نمود، لهذا از دربار سپهر مدار خاقان کامکار ناشر کنوز حقائق و معارف، عالم رموز فضائل و عوارف، شیخ الاسلام و المسلمین آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی مأمور به سفارت و نامه‌ای مشتمل بر تهنیت جلوس مأنوس به انشای منشیان عطار د نشان، مصحوب او ارسال گردید». (مأثر سلطانیه، عبدالرزاق مفتون دنبلی متوفای ۱۲۴۲ق، ص ۱۹۲)

و در جای دیگر می نویسد:

«... و شیخ المحققین آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی که در اول سال از دربار عظمت مدار خاقانی به سفارت دولت عثمانیه تعیین شده بود در تبریز شرفیاب حضور والا گشته چگونگی انبساط خاطر خاص و عام مملکت عثمانیه را ازین خبر پرور به عرض نواب نایب السلطنه رسانید». (همان ص ۲۰۹).

۳/۴. سند سوم

دست نویسی است که خود آقا ابراهیم شیخ الاسلام در ایام اقامتش در اسلامبول تحریر نموده است. او کتابخانه مهمی داشته که در باره آن پس از این سخن خواهیم گفت، یکی از آثار نفیس کتابخانه وی دورهای از تفسیر نفیس عرایس البیان روزبهان بقلی شیرازی است که در دو جلد واقع شده است. این دو نسخه از اجداد شیخ الاسلام به ارث به وی رسیده بود ولی یک جلد آن را سرقت کرده بودند. اتفاقاً او در

سفر اسلامبول نسخه سرقت شده را در کتابفروشی آن شهر پیدا، و نسخه را خریداری نموده و به کتابخانه خود منتقل می‌کند. و طی یادداشتی در اول آن چنین می‌نویسد:

«هذا الكتاب مع مجلدة الاول كأنهما ثمرة شجرة واحدة وكانا من كتبنا الموروثه من اسلافنا المغفورين حشرهم الله مع الكرام الطيبين، و قد كان سرق هذا في ستة سنوات قبل هذه السنين، فوجدته في تصرف أخينا في الدين جناب محمود افندی الساكن في سوق بزرستان من اسواق مصر ملك الاسلام والايمان و اشتريته منه باربعة عشر غرش الرومی و هذا من مَن مَن عَلَى مَن كان من أفقر الطلبة والسفرة من جانب صاحب الدولة الايرانية اعنى السلطان... فتحعلی شاه قاجار الى رب الدولة العثمانية... السلطان محمودخان صانهم الله عن الحدثان حررة الداعی الاثيم الشريف الحسينی الخویی ابراهيم في شهر رجب الاصم من شهور ١٢٢٣» با مهر مربعی وی با سجع «الواثق بالله الغنی ابراهيم الشريف الحسينی».(نسخه شماره ٦١١ مدرسه نمازی خوی).

همچنین در برگ اول این نسخه تملکی از محمد شفیع بن محمد مقیم در آخر محرم ١٠٩٠ با مهر مربعی «محمد شفیع» به چشم می‌خورد که بعد از وی نسخه به به ابوعلی عبدالله بن صدرالدین محمد با مهر مربعی «عبدالله ١١٢٤» و مهر بیضوی «عبدالله ١١١٤»، منتقل شده است. این ابو علی عبدالله جدّ شیخ الاسلام خویی است.

نسخه دیگری که در اسلامبول خریداری نموده، نسخه‌ای نفیس از فصوص الحکم ابن عربی است، و در اول آن طی یادداشتی چنین نوشته:

«قد اشتريته من محمود افندی فی اواسط رجب ١٢٢٣ بخمسه یوزلوقات و أنا الداعی الاثيم الشريف الحسينی ابراهيم الرسول الايرانی الى الدولة الخاقانی»(نسخه ش ١٤٦ مدرسه نمازی خوی)

٤/٤. سند چهارم

در ایام اقامت شیخ الاسلام آقا ابراهیم خویی در اسلامبول، او علاوه بر انجام ماموریت خود، با شیخ الاسلام آن شهر که مذهب اهل سنت داشته، مناظره‌ای نموده است. این مناظره نیز در ذیل نام وی در کتابهای شرح حال درج شده است. در اینجا نوشته‌ای از نوه آن مرحوم درج می‌گردد که در اثنای مجموعه‌ای مهم از نسخه‌های خطی کتابخانه شیخ الاسلام تحریر نموده است. نصّ این مرقومه چنین است:

«این رسائلی که در مجلد واحد است از کتابهایی است که مرحوم جدّم آقا ابراهیم اعلی الله مقامه از اسلامبول آورده است در کتابهای شیخ الاسلام اسلامبولی است که با مرحوم جدّم مباحثه و مناظره کرده بودند در عصمت حضرت صدیقه کبری علیها السلام آخر مرحوم جدّم نفرین کرده است و پای آن در همان مجلس مباحثه شل شده بود و دهنش کج گشته بود. دوباره مرحوم جدّم دعا کرده بود خداوند شفا داده بود و ولایت علویه را قبول کرده شیعه شده بود و کتابخانه خود را به مرحوم جدّم تفویض کرده... الراقم الاثیم فتح الله بن محمدرضا بن فتح الله بن ابراهیم اعلی الله مقامهم».(نسخه ش ٤٦٥ مدرسه نمازی خوی، این نسخه مجموعه‌ای است شامل سی و سه رساله اغلب مولودیه حضرت پیامبر ص که در قرن نهم

تحریر شده است. برای تفصیل مطالب آن ر.ک: به فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی، ص ۲۴۱-۲۳۵

۵. وفات شیخ الاسلام

در گذشت شیخ الاسلام در کتابها به درستی ثبت نشده است. در اغلب مصادر نوشته‌اند که وی بعد از سال ۱۲۳۰ در تبریز در گذشته و آقا محمد علی کرمانشاهی در این مورد اظهار نظر عجیبی نموده است.

۵/۱. اشتباه صاحب خیراتیه

در جریان جنگ قوای دولتی قاجار با جعفر قلی خان دنلی در خوی که در سال ۱۲۱۳ ق اتفاق افتاده، شیخ الاسلام خوبی در خوی بوده، و چون جعفر قلی خان شکست خورده، مؤلف خیراتیه (آقا محمد علی کرمانشاهی) گمان کرده که وی نیز کشته شده است لذا با مسرت در خاتمه کتابش - که ختم آن در سال ۱۲۱۳ ق بوده - چنین نگاشته:

«از غرائب رغایب آنکه بعد از اتمام رساله خیراتیه به دو ساعت، مژده فتح و نصرت نواب مستطاب نور چشم احباب، صاحب سطوت و باس سلطان عباس جهانبانی شید الله الامال و الامانی به اهل نااهل خوی ضلالت رسید. و چون ابراهیم نمرد اساس و فصل ولایت خوی و سلماس نیز از ارکان کفار بود از برای تاریخ قتلش تفلأً به خاطر خطور کرد مقتول بود خوبی ۱۲۱۳». انتهى.

۵/۲. وقف کتاب در سال آخر عمر

وقف نامه‌ای از شیخ الاسلام در دست است که شیخ الاسلام در جمادی الثانی ۱۲۳۳ طبق این وقفنامه نسخه‌ای از درر التجفیه مرحوم بحرانی را وقف نموده، او به خط خو در اول نسخه چنین نوشته:

«هو الواقف علی الضمان. قد وقفْتُ هذا الكتاب المستطاب، كما وقفْتُ اخواتها علی ما کانت علیه فی ظهر الكتب الموقوفة المسطورة بیدی الجانیة و ید بعض الموقوف علیهم، و أنا العبد الاثیم الشریف الحسینی ابراهیم بن المولی الشهید السعید الشریف الموسوی فتح الله الخوی و کان ذلک فی شهر جمادی الثانیة ۱۲۳۳ ق فی مشهد کاظمین روحنا فداهما، اللهم وقفنا لفهمه، والسلام». (نسخه ش ۱۳ مدرسه نمازی خوی)

۵/۳. ماده تاریخ وفات

نوه شیخ الاسلام خوبی آقا محمد رضا بن فتح الله بن آقا ابراهیم، در نسخه‌ای از مثنوی معنوی مولوی، وفات جدش آقا ابراهیم را در سال ۱۲۳۳ ق، ثبت نموده و ماده تاریخی هم برایش ساخته، بدین عبارت:

«۱۲۳۳ بموت العالم مات العالم، تاریخ وفات رضوان آرامگاه آقا ابراهیم طاب ثراه است. راقمها الداعی لترویج روحه المطهر محمدرضا بن آقا فتح الله طاب ثراه. تاریخ التحریر ۲۴ جمادی الثانی من شهر ۱۲۶۶».

(مثنوی معنوی نسخه خطی ش ۳۹۰ مدرسه نمازی)

۵/ ۴. تاریخ دقیق وفات شیخ الاسلام خویی

با توجه به وقفنامه‌ای که ذکر شده و با توجه به ماده تاریخی که نوه شیخ الاسلام ساخته، به طور مسلم و یقین وفات وی در سال ۱۲۳۳ق و بعد از ماه جمادی الثانی اتفاق افتاده، و در این مسئله خدشه‌ای وجود ندارد. اما اینکه فوتش در تبریز اتفاق افتاده باشد، در مصادر مطمئن در این مورد حرفی زده نشده است.

۶. انجامیه

این بود تمامی آگاهی‌های ما از شیخ الاسلام خویی و تبار علمی وی، که البته در برخی موارد به ناچار به اختصار اکتفا گردید. از نکته سنجان و اهل تدقیق و تحقیق بویژه از همشهریان گرام، تقاضامندم اگر بر آگاهی‌هایی افزون بر آنچه ذکر گردید مطلع هستند نگارنده را مرهون الطاف خود سازند تا در نگارش‌های بعدی گوشه‌های دیگری از تاریخ ایران زمین و خادمان علمی و فرهنگی آن نمایانده شود. بمنّه و کرمه و حسن توفیقه آنّه علی کل شی قدیر.
و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی